

رویکرد فعلی در منطق اصول فقه

فاطمه سادات نبوی، دانشگاه قم

چکیده

در ساختارهای تکلیفی عملگرهای تکلیفی (باید، نباید، مجازست) را می‌توان روی گزاره‌ها اعمال کرد (رویکرد «باید باشد»^۱) و یا آن‌ها روی افعال اثر داد. (رویکرد «باید انجام شود»^۲) در این نوشتار پس از اشاره به چند ساختار منطقی با رویکرد دوم، در ادبیات منطق تکلیف، دلایلی در دفاع از این رویکرد برای به دست آوردن مدل ریاضی اصول فقه ارائه می‌نماییم.

کلمات کلیدی: منطق دینامیکی، منطق تکلیف، اصول فقه

۱ رویکرد فعل محور در ادبیات منطق تکلیف

ایده استفاده از عملگر مدال پویا^۳ برای ساخت منطق تکلیف اولین بار توسط میر^۴ با انگیزه فائق آمدن بر پارادوکس تخلف از وظیفه^۵ که از مهم ترین پارادوکس های پیش روی منطق تکلیف بود در اواخر دهه ۱۹۸۰ ارائه شد. ([۱] و [۲]) به بیان آن‌ها اگر بخواهیم به طور نرم‌افزاری قادر به بیان تخلف از بایدها باشیم، باید با یک تخلف به تناقض نرسیم و براساس منطقی که در آن این پارادوکس وجود دارد، نمی‌توان حتی برنامه ساده ای برای اعمال جریمه در صورت تاخیر بازگشت کتاب به کتابخانه نوشت.

منطق ارائه شده توسط آنها منطق دینامیکی بود که $O\alpha$ در آن به صورت $[\bar{\alpha}]V$ تعریف می‌شد که V ثابتی برای بیان تخلف بود. (روش اندرسونی)

هرچند میدن^۶ در [۳] و انگلبرگر^۷ در [۴] پارادوکس‌های استراتژیک دیگری در این منطق ارائه کردند که شاید به نوعی این منطق را نیز از حیز انتفاع ساقط کرد، اما ایده استفاده از منطق دینامیکی ایده ارزشمندی بود که توسط بسیاری از

^۱ ought to be

^۲ ought to do

^۳ Dynamic Deontic operation

^۴ Meyer

^۵ Contrary to duty

^۶ Meyden

^۷ Anglberger

پژوهش‌گران منطق تکلیف به خصوص آنها که گرایش علوم کامپیوتری داشتند، پی‌گرفته شد. از جمله این پژوهشگران می‌توان از پریساکاریو^۸ و اشنایدر^۹ نام برد که «منطق قرارداد»^{۱۰} را ارائه کردند. ([۵])

هدف آنها از ساخت این منطق، تبیین‌پذیری قراردادهای پیچیده حقوقی به شکل الکترونیکی و بررسی آنها به لحاظ قابلیت اجرا و تراحم نداشتن بندها بود. این منطق که یک منطق دینامیکی است به کمک مارک‌های سیاه و سفیدی که در ازای هر فعل ساده در هر جهان حداکثر یکی از آنها می‌تواند درست باشد، با تعریف درخت هر فعل پیچیده و شبیه‌سازی آن روی ساختار معنایی O_cA را تعریف می‌کند و در ازای هر الزام جبران عدم انجام آنرا نیز تعریف می‌نماید.

بر مبنای معناشناسی مشابهی نرم‌افزاری ساخته شده است. که با وارد کردن یک قرارداد به شکل فرمال به ما اعلام می‌کند که آیا تراحمی در این قرارداد هست یا نه؟ همچنین لمبر در [۶] تلاش‌های برای فرمال‌سازی برخی قوانین حقوقی انجام داده است.

منطق دیگری نیز در سال ۲۰۱۲ توسط سگربرگ ([۷]) ارائه شد، که به یاد فون رایت و با هدف فرمال‌سازی ایده‌های او درباره «افعال»^{۱۱} ساخته شده است. خصوصیت این منطق برخلاف منطق‌های دیگری که ذکر شد، دغدغه فلسفی سگربرگ برای تبیین افعال و نه رویکرد کاربردی آن است.

۲. فعل محور بودن مفهوم وجوب در اصول فقه

در کتاب «فرهنگ نامه اصول فقه» ([۹]) در تعریف متعلق امر آمده است:

«متعلق امر به معنای افعالی است که امر به آن‌ها تعلق گرفته و انجام آن‌ها در خارج از مکلف خواسته شده است.»
پس اگر واجب را به معنی «طلب و اراده مولا» در نظر بگیریم، واجبات، دستورالعمل‌هایی هستند که پروردگار حکیم و عادل با توجه به ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و امکان‌های موجود، انجام آن‌ها را از عبد می‌خواهد. وقتی در فضای فقهی شیعه احکام را بررسی می‌کنیم، وجوب و استحباب دو مفهوم کاملاً مرزدار و جدا از هم هستند. (برخلاف اخلاقیات و هم‌چنین فقه‌های غیر شیعی، از جمله برخی فقه‌های اهل سنت، که مرز واجب و مستحب در آن‌ها واضح نیست.)
این تفکیک دقیق و وجود اصول عملیه، از جمله «استصحاب»، که از جانب ائمه به فقه معرفی شده‌اند، مؤید این مطلب است که تعریف واجب برحسب شدت مطلوبیت تعریف دقیقی نیست. بلکه واجب به طور ساده «فعلی است که مولا در حال حاضر انجام آن را از تو می‌خواهد.»

^۸ Priscariu

^۹ Schneider

^{۱۰} Contract Logic

^{۱۱} actions

گذشته از این مطالب که آنها را به عنوان مؤیداتی بر رویکرد «فعل محور» منطق اصول فقه آوردیم، پرسشی در مباحث اصولی مطرح می‌شود که پاسخ آن مورد اتکاترین دلیل ما بر رویکرد فعل محوری است که برای مدلسازی اصول فقه در نظر گرفته‌ایم:

«آیا می‌توان نهی را بر حسب امر تعریف کرد؟»

هرچند جوابی که ابتداءً به ذهن ما می‌رسد مثبت و تعریف نهی به شکل امر به نفی فعل است: $F\alpha \equiv O\bar{\alpha}$ ، اما جواب اصولیون به این پرسش منفی است. لاقلاً می‌توان به سه دلیل عمده برای اینکه در یک مدل‌سازی ریاضی اصول فقه، نمی‌توان نهی را به شکل امر به نفی فعل تعریف کرد، اشاره کرد:

۱. با یکبار انجام واجب تکلیف از گردن مکلف ساقط می‌شود، (نماز صبح امروز پس از قرائت از گردن ما ساقط است). اما با هر تعداد عمل نکردن به یک حرام، حرمت آن ساقط نمی‌شود. (نمی‌توان گفت حالا که ده هزار بار شراب نخوردم دیگر نهی شراب از گردنم برداشته شده است.) برای توضیح بیشتر در این مورد می‌توان به [۹] مراجعه کرد.
۲. احراز شرط استطاعت برای آنکه واجبی گردنگیر مکلف شود، لازم است، اما استطاعت بر عدم انجام فعل مگر در مواردی که اضطرار محرز شود بدیهی است.
۳. در بحث تراحمات همزمان نمی‌توان بیش از تعداد محدودی امر را امتثال کرد، اما می‌توان همزمان بی‌نهایت نهی را امتثال کرد.

در مورد اول ذیل عنوان «مره و تکرار» در اصول فقه بحث می‌شود. [۹] و [۱۰]) تقریباً همه اصولیون بردالالت نهی بر تکرار اتفاق دارند، اما در مورد امر نظر غالب این است که امر دلالتی بر مره یا تکرار ندارد.

مثالی که برای دلالت امر بر مره زده می‌شود، «اقم الصلوة» می‌باشد. اما اگر ما هر نماز را جداگانه یک فعل در نظر بگیریم، یعنی مثلاً نماز صبح اول فروردین ۹۵، نماز ظهر اول فروردین ۹۵ و...، می‌توان ادعا کرد که امر با یکبار عمل ساقط می‌شود. در حقیقت ما باشکستن یک امر به تعدادی امر ساده به این منظور دست یافتیم.

مثال‌های دیگری را هم می‌توان با همین روش اصلاح کرد. یکی از این مثال‌ها امر به احترام به پدر و مادر است. که امری اخلاقی است که دلالت بر تکرار دارد. اما از جنبه فقهی احترام به پدر و مادر مجموعه‌ای از واجب‌ها (اطاعت امر پدر و مادر) و حرام‌ها (بی‌احترامی به پدر و مادر) است. به علاوه تعدادی امر مستحب (محبت به پدر و مادر). و آن قسمت که دلالت بر امر دارد، پس از صدور امر آنها واجب می‌شود و با امتثال آن امر ساقط می‌شود. برای دیدن توضیحات بیشتر در مورد انواع واجب و شرایط گردن‌گیر شدن یک واجب می‌توان به [۱۱] مراجعه کرد.

به دلیل این تفاوت‌های فعل و عدم انجام فعل، در اندرکنش با عملگرهای تکلیفی است که ناگزیر به اتخاذ رویکرد «باید انجام شود»، می‌باشیم. دلیل دیگری که شاید در این مرحله کم‌اهمیت‌تر به نظر برسد، این است که اگر خواستیم از استدلال غیر استاندارد، مثل منطق ربط یا منطق‌های فسخ‌پذیر، برای گام‌های بعدی ساخت منطق اصول فقه استفاده کنیم، می‌توانیم

آن را روی افعال و نه همه منطق پیاده کنیم و از پیچیدگی‌های غیر استانداردسازی تا حدی احتراز کنیم. منطق *JDDL* که در [۱۱] معرفی شده است، تلاشی است بر این اساس که به منظور مدل‌سازی ریاضی منطق اصول فقه صورت گرفته است.

منابع

- [1] Meyer, J.-J.C.: A Simple Solution to the Deepest Paradox in Deontic Logic, *Logique et analyse*, 117-118 (1987), pp. 81-89.
- [2] Meyer, J.-J.C.: A Different Approach to Deontic Logic; Deontic Logic Viewed as a Variant of Dynamic Logic. In: *Notre Dame Journal of Formal Logic* 29 (1988), pp. 109-136.
- [3] Meyden, R.V.D.: The Dynamic Logic of Permission, in: *Journal of Logic and Computation* (1996) 6 (3): p. 465-479
- [4] Angleberger, A.J.J.: Dynamic Deontic Logic and its Paradoxes. In: *Studia Logica* 89 (2008), pp. 427-435.
- [5] Cristian Prisacariu, Gerardo Schneider. (2012), "A Dynamic Deontic Logic for Complex Contracts", *The Journal of Logic and Algebraic Programming*, 81(4), pp 485-490.
- [6] Lamber, M.M.R.: *Extending Deontic Logic for the Formalization of Legal Rules*, Kluwer Academic Publisher (1988.)
- [7] Segerberg, K.: DAL: a Dynamic Deontic Logic. In: *Knowledge, Rationality & Action* 185 (2012): pp. 1-17.
- [8] Willer, M.: *Dynamic Foundation for Deontic Logic*, In book: *Deontic Modality* (2016)-, pp. 324-354,
- [۹] کرمی احمد و شکری اسماعیل، فرهنگ نامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، (۱۳۹۰)
- [۱۰] صدر، محمد باقر، قواعد کلی استنباط، ترجمه و شرح: رضا اسلامی، قم، مرصاد (۱۳۷۹).
- [۱۱] نبوی، فاطمه سادات، (۱۳۸۸)، «منطق تکلیف با رویکرد اصول فقه»، رساله‌ی دکتری، دانشگاه صنعتی شریف.